مکاتبه علی بن راشد و شک ناشی از تأخیر غروب هلال

> **عن أبي علي بن راشد قال: كتب إلي أبو الحسن العسكري عليه السلام كتابا و أرخ يوم الثلثا لليلة بقيت من شعبان وذلك في سنة اثنين وثلاثين ومأتين، وكان يوم الأربعاء يوم شك، فصام أهل بغداد يوم الخميس وأخبروني أنهم رأوا الهلال ليلة الخميس، ولم يغب إلا بعد الشفق بزمان طويل، قال: فاعتقدت أن الصوم يوم الخميس وأن الشهر كان عندنا ببغداد يوم الأربعاء، قال: فكتب إلي زادك الله توفيقا فقد صمت بصيامهن، قال: ثم لقيته بعد ذلك فسألته عما كتبت به إليه، فقال لي: أو لم أكتب إليك إنما صمت الخميس ولا تصم إلا للرؤية[1]**

«كتب إلي أبو الحسن العسكري عليه السلام كتابا و أرخ يوم الثلثا لليلة بقيت من شعبان»؛ یعنی چهارشنبه می‌شود روز سیام ماه شعبان. **«وذلك في سنة اثنين وثلاثين ومأتين»؛** در سال ۲۳۲ بوده است. تاریخش را هم گفته است. الآن هم در آن جا محاسبه کرده‌اند. آقا هم رفته‌اند و محاسبه کرده‌اند. می‌شود کاملاً محاسبه کرد که در آن سال هلال به چه صورت بوده است. شاید آقای شعرانی هم فرموده بودند که من هم محاسبه کردم. نمی‌دانم در حاشیه وافی بود یا نه. ایشان فرمودند که من زیج این را حساب کرده بودم تا ببینم که در آن سال به چه صورت بوده.

«و كان يوم الأربعاء يوم شك»؛ آیا در بغداد شب چهارشنبه اول ماه است یا نه؟ **«فصام أهل بغداد يوم الخميس وأخبروني أنهم رأوا الهلال ليلة الخميس»؛** شب چهارشنبه ندیدند و روی الشک رؤیت نشد. این‌جا منظور من است: هیچ کسی ندید و اهل بغداد هم پنجشنبه گرفتند، اما «ولم يغب إلا بعد الشفق بزمان طويل»؛ وقتی شب بعد هلال را دیدیم بعد از شفق به زمان طولانی غروب کرد. یعنی همه به شک می‌افتند که این ماه شب دوم است. ما که دیشب ندیدیم و هر چه که بود، دیشب شب اول ماه بود.

«قال: فاعتقدت أن الصوم يوم الخميس»؛ من همان را اعتقاد پیدا کردم **«وأن الشهر كان عندنا ببغداد يوم الأربعاء»؛** «ان الشهر» یعنی شهر جدید، این‌که چطور می‌شود باید در متن به توضیحش برسیم. یا به‌معنای شهر سابق است. هر چه که هست؛ **«قال: فكتب إلي زادك الله توفيقا فقد صمت بصيامهن»؛** که پنجشنبه را گرفتی و چهارشنبه که روی الشک بود را نگرفتی.

24:47

«قال: ثم لقيته بعد ذلك فسألته عما كتبت به إليه، فقال لي: أو لم أكتب إليك إنما صمت الخميس والا تصم إلا للرؤية»؛ این هم از موارد شک متأخر است که می‌بینید هیچ کسی ندیده. «لاغیم و ال شبهة»، اما فردا شب تازه شبهه می‌آید. سؤال ما این است: اینکه در روایت ابن خلاد امام فرمودند «اما ال علة و لاشبهة»، یعنی شبهه ای که همان شب سیام باالفعل است و اگر نبود «ال وقق» ای «ال استحباب»؟ ای نه، اگر آن شب باالفعل نبود ولی خالصه تا فردا شب که تطوق پیش آمد، باالفعل شد، حضرت می‌گویند باشد. مثل شرط متأخر. فردا شب که شبهه شد اینجا اگر روزه گرفتی «وقت له». یعنی مجزی است. روی فرض اینکه «وقت» را به معنای اجزاء بگیریم. بنابراین شبهه هفتم و هشتم رؤیت قبل از زوال شد. هشتم تطوق و غیوبت بعد از شفق شد که شک باالفعل نیست اما فردایش شبیه شرط متأخر باالفعل می شود. در روایت ابن خلاد اگر بگویی منظور از «ال»، «ال وقق» است، اینجا مورد شبهه می‌شود. آیا روایت می‌خواهد بگوید که اگر تو روزه را هم گرفتی باید قضاء بکنی ای نه؟ اینجا هم باید بررسیم تا ببینیم «ال وقق» برای چیست.

---

[1] همان ص۲۰۳

بازبینی #1
ایجاد شده در 25 مه 2026 14:52:04 توسط ... .
به روزرسانی شده در 25 مه 2026 14:53:38 توسط ... .